«دو سر و یک کلاه» آمد

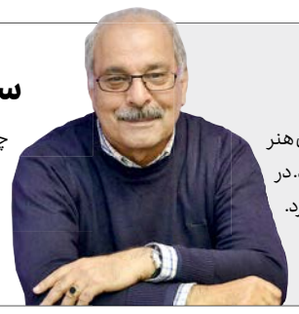

نمایشنامه «دو سر و یک کلاه» نوشته ژان ماری پی‌یم با ترجمه محمدرضا خاکی توسط انتشارات مانیای هنر راهی بازار کتاب شد. این نمایشنامه درباره تئاتر و داستان زندگی دوبرادر است که هر دو بازیگر تئاتر هستند. در این اثر به درآمد، کار و زندگی بازیگران تئاتر که میان اکثر بازیگران تئاتر در سراسر دنیا مشترک است، می‌پردازد. مترجم اثر می‌گوید: نمایشنامه‌های کم پرسوناژ که حرفی برای گفتن دارند، می‌توانند مفید باشند. / مهر

سمت چپ اتاق اول در بازار کتاب

چهارمین کتاب امیر پروسنان که داستان بلندی با عنوان «سمت چپ اتاق اول» است توسط انتشارات صدای معاصر و با قیمت ۲۱ هزار تومان منتشر شد. این کتاب نگاهی به زندگی پس از مرگ دارد و به گفته نویسنده با چاشنی طنز همراه است. امیر پروسنان، داستان‌نویس و خبرنگار است و در حال حاضر یک داستان بلند دیگر و همچنین یک مجموعه داستان جدید در حال آماده‌سازی برای چاپ دارد. / جام جم دیلی

روان

مبنی بر این که بخشی از شعر و آهنگ اثر را او ساخته جنجال به پا کرده است؛ کدام یک حقیقت را می‌گویند؟

تناقض در روایت‌ها

چه کسی حقیقت را می‌گوید؟

خب، حالا که ادعای شهرام ناظری، روایت شاعرِ این تصنیف و رد ادعای ناظری را خواندید، برویم ببینیم هر یک از این روایت‌ها چه تناقض‌هایی را آشکار و نمایندگی می‌کنند

۱

تاریخ خلق اثر: کمی بعد از خلق تصنیف کاروان شهید، هشتمین آلبوم کانون چاووش منتشر شد که همین تصنیف را نیز دربرداشت. در اطلاعات نوار کاست این آلبوم، از محمدرضا لطفی به عنوان آهنگساز و از محمد ذکایی به عنوان شاعر یاد شده بود. در همه این ۴۰ سال نیز از این دو به عنوان آهنگساز و شاعر این تصنیف یاد شده است. تاریخ تولیدِ کاروان شهید در آلبوم «چاووش ۸» تابستان ۵۹ ذکر شده است. تا اینجای کار، همین تاریخ، مهم‌ترین تناقض موجود در این روایت‌ها را آشکار می‌کند؛ کاروان شهید تصنیفی است درباره شهدای جنگ. می‌دانیم که تاریخ آغاز جنگ، واپسین روز تابستان ۱۳۵۹ است؛ یعنی سی‌ویکم شهریور؛ این تصنیف نمی‌توانسته در تابستان خلق شده باشد؛ بنابراین احتمالا روایت ناظری مبنی بر این‌که این اثر سه هفته پس از شهادت دوستش به تاریخ ۱۰ مهر ضبط شده درست‌تر است.

۲

وجه نزول شعر: ناظری می‌گوید در مراسم تشییع پیکر دوست شهیدش در کرمانشاه، دو سطر اول شعر از ذهنش گذشته و بعدا آن را تا سطرِ منتهی به «شمع جان» یعنی سطر هشتم ادامه داده و سپس آن را به محمد ذکایی سپرده تا ادامه‌اش بدهد. روایت شاعر را هم که خواندیم؛ نه اشاره‌ای به مراسم تشییع پیکر دوست ناظری کرده و نه از سطرهایی که ناظری ادعا کرده نوشته بوده حرفی به میان آورده. ذکایی این روزها ۷۴ ساله است و در تهران زندگی می‌کند.

۳

استدلال نیست: ناظری در گفت‌وگو با پادکست مورد اشاره، ادعا نکرده که آهنگساز تصنیف کاروان شهید بوده است. او گفته دوسطر شعر به صورت ملودیک از ذهنش گذشته و آن را با محمدرضا لطفی برای آهنگسازی در میان گذاشته است. مازیار شاهی آهنگساز اما پاسخ این حرف‌ها را طوری داده که انگار ناظری ادعای آهنگسازی کرده است. در یادداشت هشت قسمتی شاهی نیز چند تناقض هست:

- او گفته چرا ناظری در تمام سال‌هایی که لطفی زنده بوده و امکانِ پاسخ به این ادعا را داشته، سکوت کرده است. این در حالی است که اتفاقا ناظری در زمان حیات لطفی نیز گفته بود که ایده ملودیِ کاروان شهید را او داده است. محمدرضا لطفی ۱۲ اردیبهشت ۹۳ درگذشته و روایتی که حالا ناظری دوباره آن را مطرح کرده، در زمان حیات لطفی در فصلنامه داخلی خانه موسیقی به تاریخ تابستان ۹۲ به قلمِ عطا نویدی ثبت شده است.
- شاهی نوشته: «ملودی این اثر، مطابقت کامل با شیوه ملودی‌پردازی محمدرضا لطفی دارد. به عنوان مثال، مقایسه کنید اوج این اثر را با اوجِ تصنیفِ «ای پدر» ساخته محمدرضا لطفی.» حرف شاهی کاملا درست است، اما چنین اظهارنظری مبتنی بر استدلال نیست. ما حرف‌های ناظری را تایید نمی‌کنیم، اما «نزدیکیِ ملودی‌پردازیِ این تصنیف» با «شیوه ملودی‌پردازیِ محمدرضا لطفی» استدلال نیست، گمانه‌زنی است.
- شاهی همچنین نوشته: «اعضای گروه شیدا که اثر را نواخته‌اند، چنین ادعایی را تایید نمی‌کنند». خب آنها می‌توانستند در جریان پیش‌تولید این اثر نبوده باشند.
- شاهی ادعا کرده: «آقای ناظری در میانِ ملودی‌هایی که ساخته‌اند، هیچ اثری شبیه این به لحاظِ فرم ملودی‌پردازی ندارند». باز هم باید گفت این استدلال نیست، پایه منطقی برای استدلال ندارد.

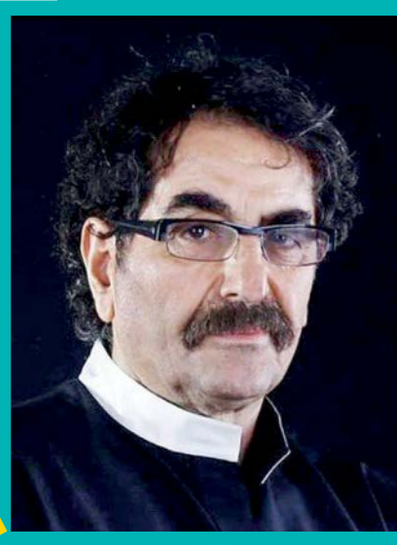

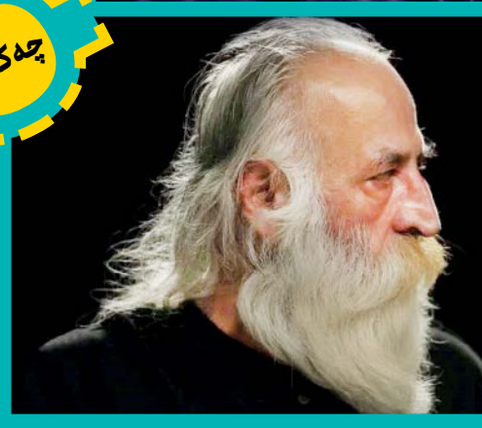

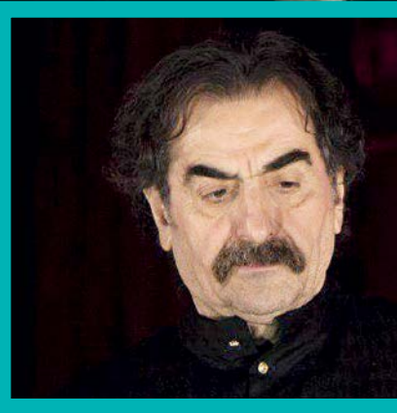

چه کنیم؟

سریال دنباله‌دارِ مالکیت معنوی

تا وقتی سهم تولیدکنندگان آثار هنری از مالکیت معنوی و مادی آثار با روال حرفه‌ای پیش نرود، وضع بر همین منوال خواهد بود. یک مثال می‌زنیم؛ آلبوم‌های گروه موسیقی پینک‌فلوید را به عنوان گروهی که اتفاقا اعضایش همواره بر سر این مسائل درگیر بودند، ببینید. در هر یک از آلبوم‌ها دقیقا سهم هر عضو در تولید تک‌تکِ محصولات یک آلبوم مشخص است. اگر روزی راجر واترز آمده و گفته که ایده‌ای برای یک شعر یا ملودی دارد و آن را با اعضا در میان گذاشته و یکی دیگر از اعضا شعر و آهنگ را ساخته، هم سهمِ ایده‌پرداز مشخص است و هم سهمِ سازنده. دیگران هم که در این میان فقط مجریِ تولید بوده‌اند یعنی مثلا فقط نوازندگی کرده‌اند، سهم‌شان جداست. این سهم که می‌گوییم لزوما مادی نیست. به این صورت است که در آلبوم قید می‌شد ایده‌پرداز چه کسی بوده، چه کسی اثر را تولید کرده و چه کسانی هم آن را اجرا کرده‌اند. اگر ۴۰ سال پیش در کانون چاووش به عنوان مهم‌ترین نهاد موسیقایی مستقل آن روزگار چنین روالی در کار بود، حالا پس از چهار دهه این مباحث و جدل‌های لفظی درنمی‌گرفت.

اینجا پارک خرم است؛ حالا به آن می‌گوییم پارک ارم. محمدرضا لطفی به عنوان سرپرست گروه شیدا به همراه شهرام ناظری ۳۹ سال پیش اینجا روی صحنه رفت و این شد اولین و آخرین باری که این دو، تصنیف «کاروان شهید» را به صورت زنده روی صحنه اجرا کردند.

اینجا تالار وزارت کشور است. محمدرضا لطفی این بار به همراه گروه همنوازان شیدا «کاروان شهید» را روی صحنه برد و البته خواننده شهرام ناظری نبود؛ علیرضا شاه‌محمدی جوان تصنیف را می‌خواند. این اتفاق پس از ۲۸ سال، بار دیگر و این بار در بیستمین جشنواره موسیقی فجر می‌افتاد.

تابستان ۱۳۹۲

از ناظری خاطره‌ای در شماره تابستانِ فصلنامه داخلی خانه موسیقی نقل شد مبنی بر این که شعر و ملودیِ شروع کاروان شهید از او بوده است.

۱۳۹۳

سال قبل نیز کلیپی برای این اثر ساخته شده بود و این بار کلیپی دیگر برای این اثر از برنامه «ساعت ۲۵» تلویزیون پخش شد.

شهریور ۱۳۹۵

شهرام ناظری طی گفت‌وگویی بلند به ساخت کلیپ‌های کاروان شهید پس از پایان جنگ اعتراض کرد و گفت آنها بدون اجازه و اطلاعش ساخته شده‌اند.

مهرماه ۱۳۹۹

ناظری در گفت‌وگویی بار دیگر به ماجرای ایده‌پردازی‌اش برای ملودی کاروان شهید و همچنین نوشتن سطرهای آغازین شعر این تصنیف اشاره کرد.

آذر ۱۳۹۹

با این که این ادعاها هفت سال پیش هم مطرح شده بود، این بار سر و صدا به پا کرد و پاسخ‌هایی در پی داشت؛ یعنی همین‌هایی که در این دو صفحه خواندید.

ضمایر [من]

امان از خانه‌نشینی بازیگران

محمد ساربان، بازیگر پیشکسوت این روزها دوران نقاهت را در خانه سپری می‌کند

محمد ساربان، بازیگر با سابقه تئاتر، سینما و تلویزیون که هشت ماه پیش دچار سکته مغزی شد، این روزها دوران نقاهت را در منزل سپری می‌کند و در حالی که مشتاق دیدار دوستان خود است، می‌گوید: به همه دوستانم در تئاتر و سینما سلام برسانید.

این بازیگر درباره حال و احوال این روزهای خود به ایسنا می‌گوید: خوشبختانه حالم بهتر است و دوره نقاهت را درخانه سپری می‌کنم. چند پیشنهاد کاری داشتم که به دلیل شرایط جسمانی‌ام، عذرخواهی کردم تا حالم بهتر شود.

او ادامه می‌دهد: بسیاری از دوستان که لطف دارند و حال «من» را می‌پرسند، می‌گویند ناراحت نباش که خانه‌نشینی. این روزها همه به خاطر کرونا ناچارند در خانه بمانند و این وضعیت عمومی است، ولی باید بگویم از این موضوع خوشحال نیستم. امیدوارم کرونا زودتر دست از سر مردمان جهان بردارد و دوستانم باردیگر در حوزه‌های کاری خود مشغول به کار شوند. من دلم می‌خواهد آنان کار کنند و موفق باشند. از خانه‌نشینی اجباری‌شان خوشحال نمی‌شوم.

ساربان که تازه‌ترین کارش فیلم سینمایی «جنایت بی‌دقت» به کارگردانی شهرام مکری است، از موفقیت‌های بین‌المللی این فیلم خوشحال است و می‌پرسد: فیلم را دیده‌اید، می‌دانید که در جشنواره ونیز جایزه فیلمنامه‌نویسی و منتقدان را گرفته است. کار خوبی شده و خیلی خوشحالم که تابه‌حال چند جایزه گرفته، امیدوارم مردم خودمان هم آن را دوست داشته باشند.

این بازیگر امیدوار است بعد از بهبودی کاملش و با رفتن کرونا، بتواند باردیگر فعالیت خود را از سر بگیرد.

او اضافه می‌کند: سه پیشنهاد کاری دیگر هم دارم که اگر حالم بهتر شد، سر این پروژه‌ها می‌روم. یکی از این پیشنهادها مربوط به یك فیلم سینمایی است که تهیه‌کننده‌اش خارجی است، ولی دیگر اعضای گروه سازنده‌اش ایرانی هستند. باید ببینیم چه می‌شود و روند بهبودی‌ام چگونه خواهد بود.

تازه‌ترین کار ساربان که از اردیبهشت امسال در پروژه‌ای حضور نداشته، فیلم کوتاهی با نام «سحرگاه» است.

محمدعلی ساربان که زاده سال ۱۳۲۶ است، در کارنامه هنری خود همکاری با کارگردانانی مانند بهرام بیضایی، پری صابری، بهروز غریب‌پور، ابراهیم حاتمی‌کیا، حسن هدایت، محمد بزرگ‌نیا و... را به ثبت رسانده است.

بازی در نمایش‌هایی مانند شاپرك خانوم (بیژن مفید)، دایره گچی قفقازی (داریوش فرهنگ)، ادیپ شهریار (مهدی هاشمی)، سربازه (هرمز هدایت)، سلطان مار (گلاب آدینه)، کلبه عموتم، ایکارو، ۲۳۴۲ روز بد (بهروز غریب‌پور)، سلامان و ابسال (مهدی شمسائی)، آتش‌افروزان، سوگ سیاوش، باغ آلبالو و یوسف و زلیخا (پری صابری)، هفت نمایش (اسماعیل خلج)، رکاب (عزتا... مهرآوران) بخش دیگری از کارنامه هنری این بازیگر است.

محمد ذکایی که در همه این سال‌ها از او به عنوان شاعر تصنیف «کاروان شهید» یاد شده است روایتی متفاوت دارد با آنچه ناظری درباره نوشته‌شدن شعر این اثر می‌گوید

به جز مجیدی، کارگردان‌های شاخص دیگر سینمای جهان همچون جوزپه تورناتوره از ایتالیا، پاتریس لوکنت از فرانسه، داریل گودریچ از انگلستان و اندرو وای کیونگ از هنگ‌کنگ هم برای تبلیغ بازی‌های پکن هرکدام یک فیلم کوتاه ساختند اما این کارگردان کشورمان بود که کارش بیشتر به مذاق چینی‌ها خوش آمد و عنوان بهترین فیلم را به‌دست آورد.

مجیدی سال گذشته و در نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم پکن، عضو هیات داوران بود. مجیدی در همان جشنواره روی اهمیت همکاری‌های فرهنگی و اقتصادی ایران و چین تاکید کرد و گفت این روابط از قدیم وجود داشته است.

بنابراین با چنین پشتوانه‌ای، حضور اخیر این کارگردان به عنوان مهمان ویژه سومین دوره فستیوال فیلم‌های نان چین، شگفتی‌آور نیست بلکه حاکی از استمرار یک رابطه دوسویه و دوستانه دارد. در این میان ساخت فیلم تازه مجید مجیدی در چین که یکی از قطب‌های فیلمسازی آسیا و جهان است، می‌تواند امیدوارکننده باشد و باب تولیدات سینمایی مشترک را میان دو کشور ایران و چین باز کند.

زمانی هم مجیدی با ژاپنی‌ها همکاری کرد و رئیس جشنواره کارگردانان جوان فیلم کوتاه سونی بود. به جز اینها فیلم‌های مجیدی طی این سال‌ها همان‌طور که در فستیوال‌های داخلی و غربی موفق بود و می‌درخشید، در شرق آسیا هم برگزیده می‌شد و جوایزی به‌دست می‌آورد، از جمله بچه‌های آسمان که برنده جایزه بهترین فیلم جشنواره بین‌المللی فیلم سنگاپور شد یا رنگ خدا که جایزه بزرگ جشنواره سینه مانیلا (فیلیپین) را به‌دست آورد، محسن رمضانی بازیگر نوجوان فیلم هم از این رویداد، جایزه بهترین بازیگر را کسب کرده بود. مجیدی همچنین با فیلم پدر، جایزه‌های دوم هیات داوران و تماشاگران را از جشنواره فیلم خانوادگی سئول (کره‌جنوبی) دریافت کرد. او با همین فیلم پدر، در مالزی هم برگزیده شد و اثرش جوایز بهترین فیلمنامه، بهترین بازیگر نقش دوم مرد، بهترین بازیگر نقش اول مرد و بهترین فیلم از اولین جشنواره فیلم پنانگ را به‌دست آورد.

در این میان ظاهرا چینی‌ها رابطه گرم‌تر و بهتری با مجیدی داشتند. دولت چین سال ۲۰۰۸ از او دعوت کرد تا برای تبلیغ المپیک پکن، فیلم بسازد. نتیجه‌اش فیلم کوتاه «رنگ‌ها به پرواز درمی‌آیند» شد.

تصمیم گرفته باشد با ...رد. مجیدی از سال‌ها پیش ...واره از فیلم‌هایش و نگاه ...مان مجیدی بسیار مورد ...قلم خود مجید مجیدی در ...شور ژاپن تدریس می‌شود. ...ده‌ای روبه‌رو شد، سنگاپور ...شتند که سال ۲۰۰۴ فیلمی ...داشت واضحی از بچه‌های ...ایی ماندگار ایران ادا کردند. ...تخاب کرد و از تلخی فیلم